

جایگاه نوشهرسازی ایرانی - اسلامی در تحقق زیست پذیری شهری (مورد مطالعه اطراف حرم حضرت عبدالعظیم (ع))

علیرضا جعفری^۱، حمیدرضا صارمی^{۲*}، آرش بغدادی^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده فنی و مهندسی، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

چکیده

امروزه شهرهای بزرگ با فرآیند ایستایی، زوال و افت مواجه شده‌اند که به ایجاد فضاهای ناکارآمد و فرسوده در شهرها انجامیده است. الگوهای متعدد و انبوهی برای مقابله با این معضل شهری ارائه شده است و این پژوهش نیز با هدف دستیابی به راه حلی مناسب در این زمینه، پیرامون الگوی بازآفرینی نوشهرسازی ایرانی - اسلامی بر پایه شاخص‌های عدالت محور به نظریه‌پردازی می‌پردازد. این پژوهش به منظور شناسایی شاخص‌ها و شناسه‌های ایده اصلی، از روش «تئوری زمینه‌ای» و در راستای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل محتوا» بهره برده است. شاخص‌ها از طریق روش مک گرانهان تعیین وزن و به صورت نزولی مرتب شده‌اند تا مشخص شود کدام یک از اصول و شاخص‌ها در هدف تحقیق نقش بسزایی دارد. سپس چارچوب مطروحه در بستر پژوهشی با روش‌های مطالعه اسنادی، مشاهده و مصاحبه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که رسالت نوشهرسازی، ارزش‌گذاری مجدد به زیست خالص انسانی در چنین مکان‌های ناکارآمد و مسئله‌دار شهری است که آثار آن افزایش رضایتمندی و احساس آرامش و تعالی شهروندان از زندگی در شهرها بوده و از اهداف اصلی و منظومه عملکرد شهر ایرانی - اسلامی می‌باشد؛ از این رو پیاده‌سازی الگوی نوشهرسازی ایرانی - اسلامی در پرتو «شهرسازی عدالت-محور» به عنوان الگوی موفق بومی و جامع برای مدیریت شهری ایران در دوره معاصر است که با زمینه قرار دادن «عدالت» در طرح‌ها و برنامه‌های شهری محقق می‌گردد.

کلید واژه‌ها: نوشهرسازی، شهرسازی عدالت محور، ایرانی - اسلامی، کیفیت زندگی..

مقدمه

یکی از مزیت‌های رقابتی در شهرهای امروزی که زمینه جذب شهروندان را برای زیستن در آن شهر فراهم می‌نماید، ایجاد محیط و فضای مناسب برای زیست متعالی می‌باشد؛ از همین رو، رسالت شهرساز و شهرسازی این است که شهری مطلوب را ایجاد کند که شهروند از زندگی در آن احساس رضایت کند. از طرفی فرآیندهای رکود، زوال و افت شهری که منجر به ایجاد فضاهای ناکارآمد و فرسوده در شهر می‌گردند، یکی از پرچالش‌ترین مسایل عصر حاضر شهرها به ویژه شهرهای بزرگ می‌باشد. این فرآیندها که به صورت گسترده ای تحت تأثیر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی هستند، سبب بروز مسایل و مشکلات در عملکرد بافت‌های شهری، از بین رفتن حیات اجتماعی اقتصادی و به ویژه نمود آنها در عرصه‌های عمومی شهر، تراکم بالای جمعیتی و ساختمانی همراه با نبود زیرساخت‌های لازم، ناتوانی اقتصادی مردم و نبود انگیزه‌های اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌گذاری در این فضاها، که به تبع زیست نامطلوب شهری را به دنبال خواهد داشت، می‌شوند.

در حال حاضر بسیاری از شهرها شکل گرفته و دارای عملکرد مخصوص به خود هستند. لیکن شهری که متولد شده و زندگی شهری در آن جریان دارد، به دلایل مختلف در طول زمان، مسیر فرسودگی و افت کیفیت محیطی را پشت سر گذاشته و از همین رو ضرورت اتخاذ سیاست‌های نوین، با توجه به دیدگاه‌ها و رویکردهای جدید بومی هر منطقه به منظور کارآمد نمودن محله‌های مسئله دار در فضاهای شهرهای، امری اجتناب ناپذیر بوده و به عنوان یک اصل در دستور کار شهرسازان قرار دارد. به منظور دستیابی به این اهداف، لازم است در ابتدا مبانی راهبردی یا استراتژی آن مشخص گردد که نظریات مداخله در بافتهای شهری این راهبرد را مشخص می‌نمایند.

امروزه توجه به شهر و شهرسازی عدالت محور در متون نظری برنامه‌ریزی شهری آن قدر گسترش یافته است که از سوی برخی اندیشمندان از «شهرسازی عدالت محور» به عنوان جایگزین مناسبی برای الگوی «توسعه پایدار» در قرن کنونی سخن رانده می‌شود. در همین راستا سعی می‌شود تا به سیاست‌های عدالت محور در نوشهرسازی دست یافته و نشان دهیم که در برنامه‌ریزی نوشهرسازی لازم است به اصل عدالت محوری توجه شود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۴). از طرفی با توجه به رسالت شهرساز و نظریات شهرسازی در راستای افزایش و ارتقا کیفیت زندگی و با تاکید بر این که اصول نوشهرسازی ایرانی اسلامی که مهم‌ترین اصل آن «عدالت» است، این پژوهش سعی دارد تا پیامدهای بکارگیری این اصول بر کیفیت زندگی شهری را مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توسعه نظری بوده و از روش‌های مطالعات بنیادی و نظری استفاده شده است و در اسلوب روش‌شناسی تلاش بر آن است که از روش اسنادی استفاده شود. با بررسی منابع موجود به تبیین مفهوم نوشهرسازی اسلامی و تاثیر آن بر کیفیت زندگی پرداخته شده و ضمن مذاقه قرار دادن این مفهوم به بیان دیدگاه‌های نظری مختلف پیرامون این موضوع، ابعاد مختلف، بستر و گستره و هم‌چنین کارکردهای آن توضیح داده شده است. از جهت آن که موضوع

پژوهش از مبانی دینی هم بهره‌مند است، لذا تلاش گردیده ضمن استفاده از منابع علمی از منابع دست اول و متون اسلامی از جمله قرآن، نهج البلاغه و روایات معتبر به بررسی کیفیت زندگی پرداخته شود. در مرحله تحلیل، از روش کیفی تحلیل محتوا به منظور مطالعه نظام‌مند و مصاحبه نیمه سازمان‌یافته با نخبگان استفاده شده است و ضمن استفاده از تکنیک دلفی سعی شده است با بررسی وضعیت کنونی و دیدگاه صاحب نظران فعلی از منظر ساختار، فرآیند و استراتژی‌ها مورد مذاقه و ارزیابی قرار گیرد. سپس با استفاده از رگرسیون چند متغیره، میزان تاثیر شاخص‌های نوسهرسازی اسلامی بر شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مورد بررسی قرار گرفت.

نوسهرسازی

در دهه ۱۹۸۰ میلادی تعداد زیادی از معماران و شهرسازان آمریکایی از فرسودگی و زوال مراکز شهری و افزایش فزاینده جوامع محلی که پراکنده و متفرق، وابسته به اتومبیل و دارای فاصله با مراکز شهری بودند، اظهار نارضایتی کردند. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ این نارضایتی منجر به ظهور جنبش نوسهرسازی شد (Lehrer, 2004). جنبش نوسهرسازی به معنی دقیق کلمه واکنشی است نسبت به گسترش افقی در حومه شهرها و هزینه‌های غیر پایدار آن هزینه‌های غیر پایدار که بر شهر تحمیل می‌شوند شامل زوال غیر عادی محله‌هایی که زمانی با افتخار خودنمایی می‌کردند، از خود بیگانگی بخش اعظمی از جامعه افزایش مستمر نرخ جرم و جنایت و تنزل گسترده زیست محیطی می‌شود (مدنی‌پور، ۱۳۸۷).

بنابراین می‌توان گفت رویکرد نوسهرسازی به عنوان گزینه‌ای برای پاسخ به پراکنده رویی مطرح شد. بدین ترتیب که نظریه‌های نوسهرسازی تلاش می‌کند تا به وسیله استانداردهای طراحی بین محیط زندگی طراحی شده با محیط اجتماعی ارتباط برقرار کنند. برقراری چنین ارتباطی موجب می‌شود تا افراد به کاربری‌های گوناگون محله به آسانی دسترسی پیدا کنند. هدف اصلی نوسهرسازی فراهم کردن یک گزینه مطمئن برای توسعه محله‌های حومه‌ای می‌باشد، به طوری که کودکان می‌توانند پیاده به مدرسه بروند، مردم همسایگان‌شان را بشناسند، زمان کمتری برای سفر گذرانده شود، مسکن برای همه گروه‌های درآمدی قابل استطاعتند و گزینه‌های حمل و نقل متنوعی موجودند (Ferriter, 2008). این مفهوم (که به طراحی محلات سنتی و طراحی محلات نئوسنتی مشهور است) اصول برنامه‌ریزی است که محلات قابل زیست و قابل پیاده روی در یک محیط مساعد پیاده‌روی را به وجود می‌آورد. نوسهرسازی واکنشی نسبت به پراکنده‌گی شهری است و یک راه موثر برای مقابله با جوامع وابسته به اتومبیل است که در آن هر سفری با ماشین انجام می‌شود (Hikichi, 2003).

نوسهرسازی آمیزه‌ای از سبک معماری، رشد هوشمند، طراحی سنتی جدید، گسترش گزینه‌های مختلف حمل و نقل عمومی، ایجاد خیابان‌ها و فضاهای دوستانه، مراکز و لبه‌های تعریف شده، توسعه بافت سنتی محلات و شهرسازی پایدار است (Grant, 2015). نوسهرسازی مدل ایده آل خود را در شبکه سنتی خیابان‌هایی که در بافت شهری تنیده اند، است می‌یابد. خیابان‌هایی با کاربری مختلط و دوستدار پیاده و محلاتی با تنوع مسکن و گونه‌های مختلف اجتماعی که در عین پیچیدگی‌های شهری به زندگی خود ادامه می‌دهند (Heins, 2015)

بنابراین می‌توان گفت نوشهرسازی به عنوان گزینه ای برای پاسخ به پراکنده رویی، در تلاش است تا به وسیله استانداردهای طراحی بین محیط زندگی طراحی شده با محیط اجتماعی ارتباط برقرار نماید در واقع می‌توان گفت نوشهرسازی با هدف فراهم کردن یک گزینه مطمئن برای توسعه محله‌های حومه ای مطرح شده است بدین صورت که افراد ساکن در محله با وجود خیابان‌هایی با اختلاط کاربری، دوستدار پیاده و با تنوع مسکن، حس زندگی را تجربه نمایند.

جدول ۱ - شاخص‌گذاری اصول نوشهرسازی

منبع	شاخص	اصول
(Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	امکان دسترسی به کاربری‌های مختلف در کمتر از ۱۰ دقیقه به صورت پیاده	پیاده مداری
(Edward et al. 2010), (Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	آرام سازی ترافیک	
(Brian, Ohm, 2001), (Aurbach, 2005)	نورپردازی مناسب و امنیت پیاده راه‌ها و عابران پیاده	
(Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	درختکاری در حاشیه پیاده راه‌ها	
(Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	وجود کاربری‌های جذاب جمعیت در طول پیاده راه‌ها	
(Duany & Plater-Zyberk, 2004)	رعایت سلسله مراتب شبکه دسترسی	انصال و پیوستگی
(Brian, Ohm, 2001), (Aurbach, 2005), (اصغر زاده یزدی، ۱۳۸۹: ۶۱)	توجه به اندازه بلوک‌ها و پرهیز از به وجود آمدن معابر بن بست و دور برگردان	
(Duany & Plater-Zyberk, 2004)	پیوستگی شبکه ارتباطی پیاده	
(Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	میزان اختلاط کاربری‌های در سطح محلات	ایجاد کاربری‌های مختلف
(Brian, Ohm, 2001), (Aurbach, 2005), (اصغر زاده یزدی، ۱۳۸۹: ۶۱)	تنوع کاربری در طبقات	
(Steuteville, 2004), (Brian, Ohm, 2001), (Aurbach, 2005)	رعایت اصل سازگاری در همجواری کاربری‌ها	
(Brian, Ohm, 2001), (Aurbach, 2005), (اصغر زاده یزدی، ۱۳۸۹: ۶۱)	استقرار کاربری‌های فعال در شب در فضای عمومی	
(Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	تنوع در اندازه مساحت قطعات	
(Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	تنوع در نوع مسکن (ویلایی، ردیفی، آپارتمانی)	ایجاد گونه‌های مختلف مسکن در بافت
(Steuteville, 2004), (Duany & Plater-Zyberk, 2004)	تنوع در قیمت مسکن	
(Duany & Plater-Zyberk, 2004)	نزدیکی ساختمان‌های مراکز خدماتی و فروشگاه‌ها و مغازه‌ها و مناطق مسکونی	
(Steuteville, 2004), (Brian, Ohm, 2001), (Aurbach, 2005)	دانه بندی قطعات	افزایش تراکم در بافت
(Rendal, 1999)	تراکم ساختمانی بهینه	

(Rendal ,1999)	وجود فضای عمومی در مرکز	حفظ و تقویت ساختارهای سنتی
(Rendal ,1999)	مرکز محله قابل تشخیص	
(Rendal ,1999)	لبه قابل تشخیص	
(Rendal ,1999)	وجود فضای باز در ترکیب با توده ساختمانی	
(رحیم رهنما،روشنی و افشاری،۱۳۹۲)	طراحی مرکز محله بر اساس اصول محصوریت، تناسب و مقیاس	استفاده از مشارکت ساکنان
(Brian,Ohm,2001), (Aurbach, 2005) (اصغر زاده یزدی،۱۳۸۹)	خودگردانی توسط اهالی محل	
(رحیم رهنما،روشنی و افشاری،۱۳۹۲)	استفاده از نظر ساکنان در تمامی مراحل فرآیند تهیه و اجرای طرح	
(Brian,Ohm,2001), (Aurbach, 2005) (اصغر زاده یزدی،۱۳۸۹: ۶۱)	رعایت سرانه استاندارد فضای سبز	حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز
(Brian,Ohm,2001), (Aurbach, 2005) (اصغر زاده یزدی،۱۳۸۹:۶۱)	کیفیت مناسب فضای سبز(رعایت حد تفکیک، شیب مناسب، مبلمان و تجهیزات مناسب)	
(Brian W. Ohm,2001), (Aurbach, 2005) (اصغر زاده یزدی،۱۳۸۹: ۶۱)	ایجاد فضاهای عمومی و فضاهای تجمع در محلات	
(Rendal ,1999)	قرارگیری مراکز عمده خدماتی در نزدیکترین فاصله از ایستگاهها	تقویت حمل و نقل عمومی
(Rendal ,1999)	پیوستگی انواع مختلف حمل و نقل عمومی در محدوده	
(Aurbach, 2005) (اصغر زاده یزدی،۱۳۸۹: ۶۱)	وجود مسیر ویژه دوچرخه	
(Brian,Ohm,2001), (Aurbach, 2005) (اصغر زاده یزدی،۱۳۸۹: ۶۱)	حس مکان	استفاده از ابزار طراحی جهت افزایش امنیت در بافتهای شهری
(Brian,Ohm,2001), (اصغر زاده یزدی،۱۳۸۹: ۶۱)	مقیاس انسانی بناها	

منبع : نگارنده ، ۱۴۰۰

شهرسازی ایرانی - اسلامی

شهر مهم‌ترین عرصه زیست انسان و بزرگترین سلول تمدنی است و مطالعه و تأثیر و تأثر این عرصه جایگاه ویژه‌ای دارد. شهرهای ایران در دوره اولیه ورود اسلام به این قلمرو با همان شکل اولیه (کهن دژ، شارستان و ربض) به حیات خود ادامه دادند اما به تدریج اسلام ویژگی‌های خود را بر این شهرها دیکته کرد (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۳). اسلام با ورود خود به ایران به عنوان یک فرهنگ، بر رفتار شهرنشینی مردم و ساختار کالبدی شهرهای ایران تأثیر گذاشت. این فرهنگ، رویه توسعه شهرها را در ایران به دو روش تولد عناصر جدید در شهر و تکامل و تغییر عناصر قدیمی، دستنوش تغییر کرد (شعار، ۱۳۶۶). در نتیجه

شهرهای ایرانی - اسلامی به وجود آمد که شباهت زیادی به شهرهای قرون وسطایی اروپا داشتند. عمده شباهت این شهرها با شهرهای قرون وسطی اروپا این بود که هر دو دارای بافت آشفته‌ای بودند (بنه‌ولو، ۱۳۶۹). این بافت آشفته با ساختار محله‌ای که در حومه شهرهای دوره ساسانیان ظاهر شده بود، موجب شد تا در شهرهای اسلامی محله‌ها با عناصر دیگر از قبیل بازار، خیابان و میدان قدرت یابند و بیشتر بر اساس صاحبان حرف، مشاغل ویژه، اقلیت‌های مذهبی و دینی طبقات اجتماعی مختلف شکل بگیرند (کیانی، ۱۳۶۸). در این شهرها مسجد به عنوان عنصری جدید به ساختار آنها اضافه شد. مسجد نماد و مشخصه سرزمین اسلامی است. طبق اسناد تاریخی، اولین دولت اسلامی در مسجد بنا شد. بنابراین ظهور مسجد یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای اسلامی است (Raymund, 1984). در دوره اسلامی عناصر اصلی ساختار شهری عبارتند از: مسجد، بازار، محله‌ها. فضاهای مابین این عناصر به وسیله خیابان‌ها و میدان‌ها به یکدیگر مرتبط و متصل می‌شدند. با توجه به همه تأثیراتی که اسلام بر شهرهای ایرانی داشته، شهرهای ایرانی - اسلامی از و جهت تحت تأثیر تمدن‌های ساسانی و رومی نیز بودند؛ یکی این که شهرهای ایرانی - اسلامی در اصل شهرهای ایرانی ساسانی بودند و دیگر این که در بنای شهرهای نوین از معماران ایرانی و رومی استفاده می‌شد (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶). از این رو شهرهای ایرانی - اسلامی تحت تأثیر چندین فرهنگ و تمدن شکل گرفته‌اند. به طور کلی با عنایت به ارتباط جهان‌بینی و فرهنگ و معماری و شهرسازی، در هر جامعه‌ای از جمله در جامعه‌ای با تفکرات اسلامی و فرهنگ ایرانی متکی بر آن چنانچه رشد و تعالی این فرهنگ و ترویج ارزش‌های آن و احراز هویت جامعه در برابر بیگانه و بازگشت جامعه به خویش و توجه به شأن و کرامت انسان و حفظ محیط طبیعی و ایجاد رابطه‌ای مناسب بین انسان و محیط و از این قبیل امور معنوی و مادی مدنظر باشد، توجه به شهر اسلامی ضرورت نام دارد (ضرابی و علی‌نژاد، ۱۳۸۹).

شهر ایرانی اسلامی از ابتدای شکل‌گیری اولاً به عنوان شهر یجاد شده (به عبارت دیگر در این تمدن هرگز یک روستا به شهر تبدیل نمی‌شود) و ثانیاً بر مبنای نظری مشخص در بستر طبیعی احداث شده‌اند و بدیهی است شهری که مقرر است محل تجلی تمدن باشد به قطع و یقین داری مبنای نظری ویژه‌ای برای طراحی و احداث است. کما اینکه ارتباط کالبد و محیط زندگی انسان با بستر طبیعی در مجتمع‌های زیستی روستایی نیز مشاهده می‌شود. اما این ارتباط ماهیتاً با ارتباط مشابه آن در شهر متفاوت است (میثاقیان، ۱۳۹۱).

جدول ۲ - اصول بنیادی شهرسازی ایرانی - اسلامی، عناصر و ویژگی عملکردی آنها

اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی	عنصر یا کاربری شهری	ویژگی عملکردی
مرکزیت	مسجد، بازار	مرکزعبادی، سیاسی، اجتماعی شهر است. بسیاری از جهت‌گیری‌ها در این زمینه و تبادل نظر و اطلاعات در این مکان‌ها صورت می‌گیرد. و از طریق متذکر نمودن بر ارزش‌های معنوی، نقش تذکردهی خویش و بیداری مردمان را به انجام می‌رسانند.
نظم و نظام	محله، کوی، نحوه ارتباط و دسترسی به یکدیگر	ایجاد نظم شهودی، تجلیگاه ذکر و سلسله مراتب دسترسی‌های شهری و انتظام فضایی و کالبدی مذکور.
ابهام و ابهام	سلسله مراتب دسترسی، درون‌گرایی ابنیه، معابر کم عرض، ارتباط میان ابنیه و فضاها	باعث می‌گردد شهرها برای ساکنان کاملاً امن شناخته شده گردد، باعث ایجاد قلمرو در شهر و متذکر شدن حس مکان و تعلق به آن،

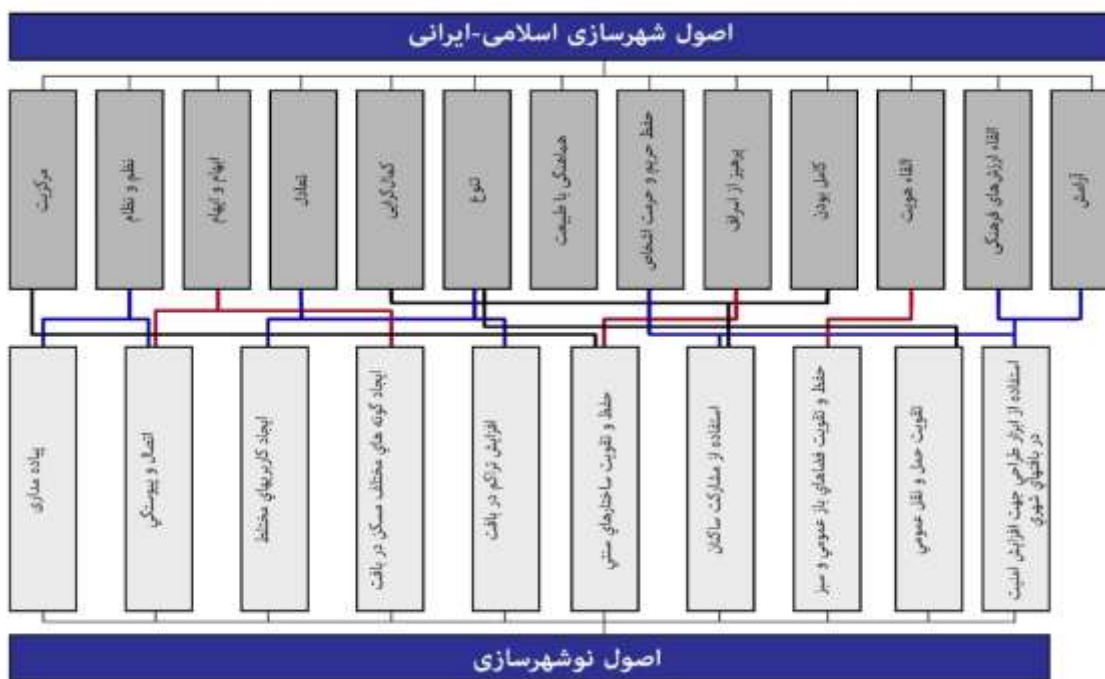
ایجاد حس قلمرو داری، باعث پیچیده بودن فضا برای بیگانگان می‌گردد و به عنوان هویت کالبدی برای شهر ظاهر می‌شوند.		
جمعیت پذیری شهر متناسب با توان و ذخیره موجود در طبیعت، تقسیم‌بندی اجزاء و خدمات مورد نیاز آن بگونه‌ای مناسب، قابلیت رفع نیازهای روزمره برای همه ساکنین، امکان زندگی افراد غنی و فقیر در کنار هم، اختلاف اقتصادی باعث ایجاد اختلاف طبقاتی و ناهمگونی در شهر نمی‌گردد. لذا در این امر از بسیاری جهات هدایت و آگاهی دهنده‌گی به شهروندان را در خویش مستتر دارد.	وجود کاربری‌ها و عناصر مختلف مانند: مسجد، حمام، آب‌انبار، بازار، مدرسه و...	تعادل
رفع کمبودها، ایجاد شرایط فضایی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی بهتر، افزایش تعاملات اجتماعی، روند تکاملی توسعه شهری.	میدان به عنوان مفضل توسعه شهر، محورهای اصلی در یک شهر، مانند میدان نقش جهان اصفهان و خیابان سپه کنونی قزوین.	کمال‌گرایی
حفظ سرزندگی، ایجاد فضای فعلیتی متنوع، خوانایی و تنوع فضایی و کالبدی، افزایش زمینه تعاملات اجتماعی، افزایش اجتماعی پذیری فضای شهری، ایجاد حس تعلق به مکان و ...	وجود معابر گوناگون با ویژگی‌های متفاوت، عناصر نشانه‌ای، سبابط، طاق‌نماها، استفاده از بازی سایه و نور و گیاه، عناصر نمادین در محل تقاطع معابر مانند: سردرهای بناهای رفیع تاریخی و مهم شهر، مناره و گلدسته‌های مساجد، بازارهای مختلف، مراکز متنوع و کاربری‌های مختلف شهر، تنوع در سیما و منظر و حجم و شکل بناها	تنوع
ارتباط با طبیعت، امکان مشاهده آسمان، ارتباط با گل و گیاه، امکان بازیافت مصالح مورد استفاده در بنا و فضاها، بهره‌برداری از عوامل طبیعی، تبدیل تهدیدهای طبیعی موجود به فرصت.	وجود حیاط مرکزی در ساختمان‌ها، وجود فضاهای باز، استفاده از گل و گیاه و آب، استفاده از مصالح طبیعی در ساخت و سازها، ابداع عناصری مانند آب انبار، بادگیر، شبستان و ... ایجاد باغات و فضای سبز	هماهنگی با طبیعت
حفظ حرمت خانواده و اشخاص در شهر، ایجاد خلوت، محافظت از افراد برابر گزند تابش نور شدید خورشید و نزولات جوی، مقیاس انسانی فضاها و کاربری‌ها، توجه به اولویت انسانی در همه طرح‌ها، حفظ مقام و منزلت انسان.	عدم اشراف بناها به یکدیگر، وجود کوبه‌های مختلف بر روی درب خانه‌ها، ایجاد سبابط، عرض معابر مناسب با ابعاد فیزیکی عابرین پیاده، توجه به اولویت حرکت پیاده	حفظ حریم و حرمت اشخاص
عملکرد مناسب فضاها در خور و میزان انتظار و نیاز شهر، جلوگیری از اسراف، امکان حفظ منابع و ظرفیت‌های یک شهر در آینده، حداکثر استفاده از فضا، گاربردی بودن کلیه عناصر و کاربری‌ها، استفاده بهینه از فضاهای زندگی. کاربری‌های موجود، امکان استفاده از فضاها برای مدت طولانی و جلوگیری از متروکه شدن فضای شهری.	استفاده کافی و متعادل از امکانات موجود شهر در ایجاد فضای شهری و عناصر مربوطه، ایجاد کاربری‌ها با توجه و استفاه از حداقل‌ها، ایجاد فضاها و عنصر در حد نیاز، اجتناب از فضاهای غیر کاربردی، استفاده از مصالح با دوام.	پرهیز از اسراف
کامل شدن شهر از همه جنبه‌ها (کالبدی، فضایی، عملکردی و ...)، امکان تأمین کلیه نیازهای شهروندان یک شهر.	وجود کلیه خدمات شهری، تأسیسات، شبکه دسترسی و سایر کاربری‌ها به‌طور کامل و متناسب با نیاز شهروندان	کامل بودن
ایجاد احساس هویت یا احساس این همانی در انسانها، تأثیر پذیری و اثر گذاری بر روی شهروندان و استفاده کنندگان از محیط، ایجاد ارزش و احترام برای عوامل هویتی، حس تعلق خاطر، تمایل به حضور و ارتباطات پایدار شهروندی.	مساجد، اماکن تاریخی، اماکن فرهنگی، نمادهای برگرفته از فرهنگ و تمدن آن شهر، استفاه از مصالح بوم آورد، توجه به سیما و منظر و کالبد بومی و فرهنگی و تاریخی	القاء هویت

<p>شهر تجلیگاه و مظهر ارزش‌ها و اصول مورد احترام جامعه می‌دهد و به این ترتیب این اصول و ارزش‌ها را به شهروندان القاء می‌نماید. ایجاد حس تعلق به مکان، تعلق فرهنگی و محافظت از ارزش‌ها و فرهنگ‌ها و سعی در اشاعه و نمود آن توسط شهروندان، ایجاد حس قلمرو داری.</p>	<p>عناصری چون مساجد، زیارتگاه‌ها، گنبد و باروها، گلدسته‌ها، تندیس‌ها، عناصر یادمانی، طاق نماها، بازارهای سنتی، آیات قرآنی، کتیبه‌ها، عناصر اطلاع‌رسانی در سطح شهر.</p>	<p>القاء ارزش‌های فرهنگی (تذکرده‌ی، تذکرپذیری، هدایت، آموزش و یادگیری)</p>
<p>همه موارد گفته شده پیشین، باعث ایجاد آرامش و حس امنیت و اعتماد اجتماعی برای شهروندان و ساکنین شهر می‌گردد. فراهم شدن شرایط تجلی آرامش برای شهروندان به صورت مستقیم.</p>	<p>مساجد، زیارتگاه‌ها و کلیه شرایط ذکر شده در موارد قبلی</p>	<p>آرامش</p>

منبع: نگارنده، ۱۴۰۰

اصول، مولفه‌ها و شاخص‌های شهرسازی اسلامی ایرانی بر پایه اصول نوشهرسازی

با پرداختن به دو مفهوم نوشهرسازی و شهرسازی اسلامی ایرانی در این مقاله، اصول، مولفه‌ها و شاخص‌های هرکدام از این دو مفهوم به تفصیل بررسی و بیان شد. این در حالی است که موضوع تحقیق رابطه میان شاخص‌های این دو مفهوم را می‌طلبد تا بتوانند در این میان ردپای مفهوم عدالت را در شاخص‌ها جستجو کنند. بنابراین اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی به طور تطبیقی با اصول نوشهرسازی مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود هر یک از اصول نوشهرسازی نمود کدام یک از اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی است. بر همین اساس روابط میان اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی و نوشهرسازی به شرح زیر تبیین شد:



شکل ۱ - روابط کلی میان اصول شهرسازی اسلامی-ایرانی و نوشهرسازی

منبع: نگارنده، ۱۴۰۰، برگرفته از (صفوی، رضایی و سعادت‌مندی، ۱۳۹۶: ۹۳۸)

مفهوم نوشهرسازی ایرانی اسلامی:

واژه نوشهرسازی تلاشی برای ارتقای شهرسازی سنتی برای انطباق با زندگی مدرن امروز و پیچیدگی روز افزون اقتصادی است (واتسون و همکاران، ۱۳۸۹)، این گرایش در پیشنهادها، خود، به انتقاد از انگاره‌های برنامه ریزی و طراحی شهری که در اوایل قرن بیستم شکل گرفتند و برای پاسخ گویی به الگوهای زندگی مدرن انطباق یافته اند، می پردازد. اصول مندرج در مفهوم نوشهرسازی که هرکدام رد و نشانی در سنت و مفهوم شهرسازی ایرانی _ اسلامی دارند عبارتند از:

- پیاده مداری

از مهم ترین اصول پیشنهادی نوشهرگرایی برای برنامه ریزی در بافتهای موجود توجه به حرکت پیاده و پیاده سازی معابر، می باشد. نوشهرگرایی معتقد است خیابانها و میادین باید برای پیاده روی ایمن و جذاب باشند و به شکلی طراحی شوند که موجب آسایش ساکنین را فراهم کرده آنها را برای پیاده روی تهییج کند. لذا تاکید میکند که کاربری های خدماتی روزانه و هفتگی در فاصله پیاده روی ۱۰ دقیقه ای ساکنین قرار گیرد (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹)

- اتصال و پیوستگی

قابلیت نفوذ پذیری و دسترسی در یک بافت، رعایت سلسله مراتب روشنی از فضاها، دسترسی باکارکردهای شهری و محله ای برای نوشهرسازی امر بسیار مهمی تلقی می شود. نوشهرسازی معتقد است شبکه ی معابر پیوسته و هم چنین تعریف سلسله مراتب خیابانها و کوچه ها و شبکه ی پیاده روی با کیفیت بالا موجب کاهش ترافیک و تسهیل پیاده روی و افزایش و ترغیب عموم به پیاده می شود (Blasingame Cuister, 2007)

- ایجاد کاربری های مختلط

در نوشهرسازی استفاده از کاربری های مختلف و متنوع در انواع فضاها، کار و زندگی در سطوح مختلف اجتماعات انسانی از جمله ترکیب فروشگاهها، ادارات، آپارتمانها و مسکن در یک سایت، اختلاط کاربری ها در یک محله، در یک بلوک و در یک ساختمان و تنوع افراد با سنین و سطوح درآمدی مختلف و تنوع فرهنگ و نژاد از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. استفاده از کاربری های مختلط می تواند موجب فعال شدن بافت، افزایش امنیت، افزایش تعاملات اجتماعی کاهش سفرهای روزانه (بین محل کار و سکونت) و در نتیجه کاهش ترافیک شده و از گسترش افقی شهر جلوگیری می کند. محله با کاربری مختلط جایی است که در آن ساختمانهای مسکونی، تجاری و مدنی در مجاورت یکدیگر قرار دارند. این یک مفهوم برنامه ریزی است که بر پایه اصول شهر کوچک سنتی و توسعه واحد همسایگی شهر استوار است (Brian, Ohm, 2001)

- ایجاد گونه های مختلف مسکن در بافت

نوشهرسازی معتقد است که در یک اجتماع انسانی، حضور طیف وسیعی از گونه ها، اندازه ها و قیمت های مختلفی برای واحدهای مسکونی نه تنها موجب می شود تا هرکس متناسب با علایق و سطح درآمد خود بتواند مناسب ترین انتخاب را داشته باشد بلکه می تواند به تعامل مثبت اقشار مختلف مردم از هر سن و نژادی و با هر درآمدی کمک کند. این اصل باعث

تنوع و گوناگونی در سیمای بافت شده و به سرزندگی و شاداب بودن جوامع محلی کمک میکند و آنها را از خطر یکنواختی که موجب افسردگی ساکنان می شود نجات می دهد (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹).

- افزایش تراکم در بافت

نوشهرسازی معتقد است افزایش تراکم موجب می شود مساکن، فروشگاهها و خدمات به یکدیگر نزدیک شده و فواصل کاهش یافته و از گسترش افقی شهر جلوگیری شود. این اصل باعث می شود در بافت های موجود شهری، حداکثر استفاده ی بهینه از زمین های داخل بافت صورت گرفته و اجتماعی فشرده تر حاصل شود که در آن پیاده روی تسهیل شده و منابع و خدمات به طور کارا تر و موثر تر بکار گرفته شده و در نهایت مکانی راحت مطبوع و مناسب برای زندگی شهروندان ایجاد شود (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹).

- حفظ و تقویت ساختار سنتی

نوشهرسازی تاکید بسیاری بر حفظ ساختارهای شکل گرفته، وجود فضاهای عمومی در مرکز وجود قلمرو عمومی با کیفیت و فضاهای عمومی طراحی شده به عنوان هنر شهری، استقرار کاربری ها و تراکم ها در فاصله ی ۱۰ دقیقه ای پیاده روی، برنامه ریزی عرضی به گونه ای که بالاترین تراکم ها در مرکز شهر و به تدریج تراکم های پایین تر به سمت لبه ها قرار گیرد و حفظ لبه های متمایز دارد. لذا در هنگام مداخله در بافت های موجود، سعی می کند ابتدا این ساختارها را در بافت شناسایی کرده، سپس با تمهیدات مختلف (از جمله تقویت فضاهای باز و عرصه های عمومی، حفظ لبه های متمایز و...) سعی بر تقویت آنها داشته باشد (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹).

- توجه به بافت های واجد ارزش تاریخی و بهبود کیفیت طراحی و معماری

نوشهرگرایی تاکید بسیاری بر زیبایی، ارزش های زیبا شناسانه و آسایش و ایجاد حس مکان، مکانیابی کاربری های شهری و سایت ها در شهر، معماری در مقیاس انسانی و تغذیه ی روح بشر به وسیله ی زیبایی محیط دارد، به همین سبب اهمیت ویژه ای برای حفاظت بناهای با ارزش تاریخی موجود به خصوص بناهای عمومی و مدنی موجود در یک بافت قائل است. نوشهرسازی با توجه به نگاه خود به میراث مصنوع شهر از طریق حفاظت، نوسازی بناها، حفاظت مناظر و ...، تداوم و تحول جامعه شهری را ممکن می سازد (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹).

- استفاده از مشارکت ساکنان

یکی از مهم ترین اصولی که نوشهرسازی مخصوصا به منظور برنامه ریزی در بافت های موجود شهری مورد استفاده قرار می دهد، استفاده از مشارکت ساکنین می باشد. نوشهرسازی در تمام مراحل برنامه ریزی محله از مشارکت ساکنان، رهبران اجتماعی، سیاست مداران، ماموران دولتی، توسعه دهندگان و موسسات محلی استفاده می کند (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹).

- حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز

فضاهای عمومی به طور کل شامل فضاهانی می شوند که مردم در آنها تعاملات اجتماعی دارند این فضاها - در سطح محلات شامل فضاهای سبز، میادین، فلکه ها و مراکز محلات است که عمده ترین این فضاها فضاهای سبز هستند. اساس

کار در این پژوهش فاصله مناسب (۵ دقیقه ای) این فضاها از منازل جهت دسترسی مناسب اهالی محله به این فضاها به خصوص فضاهای سبز می باشد (Blasingame Cuister, 2007)

از طرفی کیفیت این فضاها نیز مد نظر است برای مثال در مورد فضاهای سبز باید مواردی از قبیل حد تفکیک، شرایط محیطی و شیب، مبلمان و تجهیزات مناسب نیز رعایت شود تا این فضاها بتوانند به عنوان یک فضای عمومی نقش ایفا کرده باعث سرزندگی محله و اهالی آن شوند. نوشهر گرایی بر این اعتقاد است که فضاهای عمومی و پارک‌ها می‌توانند با تامین فضاهایی جذاب باعث شکوفا شدن محلات و خلق مفهومی یگانه از فضا باشند. حفظ و تقویت فضاهای عمومی همانند پیاده راه‌ها، میدین، پارک‌ها، ساختمان‌های عمومی و فضاهای تجمع، به منظور ایجاد ملاقات‌های غیررسمی و تماس‌های اجتماعی با سایر افراد موجب می‌شود محلات مانند محیط‌های زنده و متعادل به نظر برسند (Blasingame Cuister, 2007).

- تقویت حمل و نقل عمومی

نوشهرسازی تاکید ویژه‌ای بر تقویت و تجهیز نظام حمل و نقل عمومی داشته و معتقد است ایجاد نظام پیوسته ای از خطوط حمل و نقل عمومی که شهرهای بزرگ، کوچک و محلات را به یکدیگر متصل می کند، به کاهش معضلات آمدو شد کمک کرده و موجب حفظ انرژی و بهبود کیفیت هوا شده و ساکنان را به پیاده روی، دوچرخه سواری و استفاده از اتوبوس برای عبور و مرور تشویق می کند (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹).

- استفاده از ابزار طراحی جهت افزایش امنیت در بافت‌های شهری

نوشهرسازی تاکید بسیاری بر استفاده از ابزارهای طراحی شهری در جهت افزایش امنیت در بافت‌های شهری دارد و معتقد است طراحی شهری مطلوب به امنیت هرچه بیشتر بافت‌های شهری کمک می کند. بر اساس نظر آن‌ها در ساماندهی مجدد یک بافت، طراحی ساختمان‌ها و خیابان‌ها باید به گونه ای صورت بگیرد که ساکنین خود بتوانند امنیت لازم را تامین کنند (اصغرزاده یزدی، ۱۳۸۹).

- تاکید بر مفهوم عدالت و تعادل در شهر

عدالت به عنوان یکی از ارکان و مبانی و ضرورت انکار ناپذیر مدائن فاضله و آرمان‌شهرها معرفی شده است و می‌توان آن را اجرای عدالت در مقولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اداری که در حیات فردی و جمعی انسان ایفای نقش می‌کنند، تعریف نمود (نقی‌زاده، ۱۳۸۵).

در این میان، بازخوانی مفهوم عدالت به مثابه خمیرمایه هر دو تفکر، از آن جمله رویکرد ای قلمداد می‌شود که علاوه بر تهیه و تدوین دستورالعمل اجرایی، به ارائه مفاهیم کاربردی و نیز اصول اساسی در پی ریزی یک تفکر ترکیبی کامل کمک شایان توجهی می نماید.

بنابراین می توان گفت تفاوت نوشهرسازی جهانی با نوشهرسازی ایرانی - اسلامی، با توجه به تاکید منابع مختلف اسلامی به اصل عدالت و عدالت محوری، در واقع اضافه شدن این اصل به اصول نوشهرسازی است.

مفهوم کیفیت زندگی

امروزه توجه به کیفیت زندگی در برنامه ریزی که ریشه در سنت برنامه ریزی انگلستان دارد، در طراحی فیزیکی، تجزیه تحلیل و دخالت، آشکار است (سیف الدینی، ۱۳۸۱). پیسونی در سال ۱۹۹۵ تعریف می کند، اصلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می کنند (نظیر آلودگی و کیفیت مسکن) و هم چنین به برخی شرایط شخصی افراد (نظیر سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸). معنای عبارت کیفیت زندگی تفاوت یک معامله خوب است که از عبارتهای مختلفی استفاده می شود، اما به طور کلی برای اشاره به دو شرایط محیطی که در آن مردم زندگی می کنند. به عنوان مثال هوا و آلودگی آب، یا مسکن ضعیف برای آن و یا به برخی از ویژگی از خود مردم (از قبیل سلامت یا دستاورد آموزشی) در نظر گرفته شده است. کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تنظیم می کند، مفهوم سازی شود (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸). هم چنین کیفیت زندگی می تواند به عنوان (رابطه بین ادراکات فردی و احساسات مردم با تجربه های آنها در درون فضایی که در آن زندگی می کنند) تعریف شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸) تعریف جغرافیایی کیفیت زندگی شامل مفهوم رفاه فردی است، اما تمرکز بیشتر در مکان های زندگی افراد است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸). کیفیت زندگی فراتر از مفهوم نیازها، در ارتباط با فرایندها و دستاوردهای خود مختاری و تحقق فردی قابل طرح است (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸). کیفیت زندگی شهری در ایران به شدت از شهر شدن جامعه متاثر است. شهرنشینی کمی سهم و سرانه بسیاری از شاخص های کیفیت زندگی شهری را پایین آورده، تغییرات آن را کنترل کرده و از این طریق بر جنبه های اجتماعی شهرنشینی تأثیرات جدی گذاشته است (اکبری و همکاران، ۱۳۸۹). فراهم آوردن کار مولد و کیفیت بهتر زندگی برای نسل های حال و آینده در کشورهای در حال توسعه، مستلزم رشد چشمگیری در درآمد و بهره وری در این کشورهاست. این وظیفه هم چنین نیازمند مدیریت مسائل و فرصت های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی هم زمان با گذر به جهانی با جمعیت عمدتاً شهرنشینی است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۳).

ویژگی های شاخص های کیفیت زندگی

شاخص های کیفیت زندگی عبارتند از: الف: کیفیت محیط فیزیکی ب: کیفیت محیط اجتماعی ج: کیفیت محیط اقتصادی د: کیفیت حمل و نقل و ارتباطات در ادامه هر کدام از این ابعاد به موضوعات دیگر تقسیم بندی شدند. الف: کیفیت محیط فیزیکی: ترتیب ساختمان ها، نوع مسکن، مناطق سبز، مناطق تفریحی، خدمات و زیر ساخت های شهری ب: کیفیت محیط اجتماعی: میزان خدمات آموزشی، هزینه خدمات آموزشی، میزان خدمات بهداشت، فعالیت های فرهنگی، امنیت ج: کیفیت محیط اقتصادی: هزینه زندگی، فرصت پیدا کردن کار رضایت بخش، هزینه مسکن کیفیت حمل و نقل: وسیله حمل و نقل، میزان حمل و نقل عمومی، جریان ترافیک (لطفی، ۱۳۸۸).

اما اگر در یک نگاه دسته بندی و ترکیب موضوعات همگن به تخلص شاخص های بیان شده بنگریم، می توان آنها را در قالب جدول زیر بیان کرد.

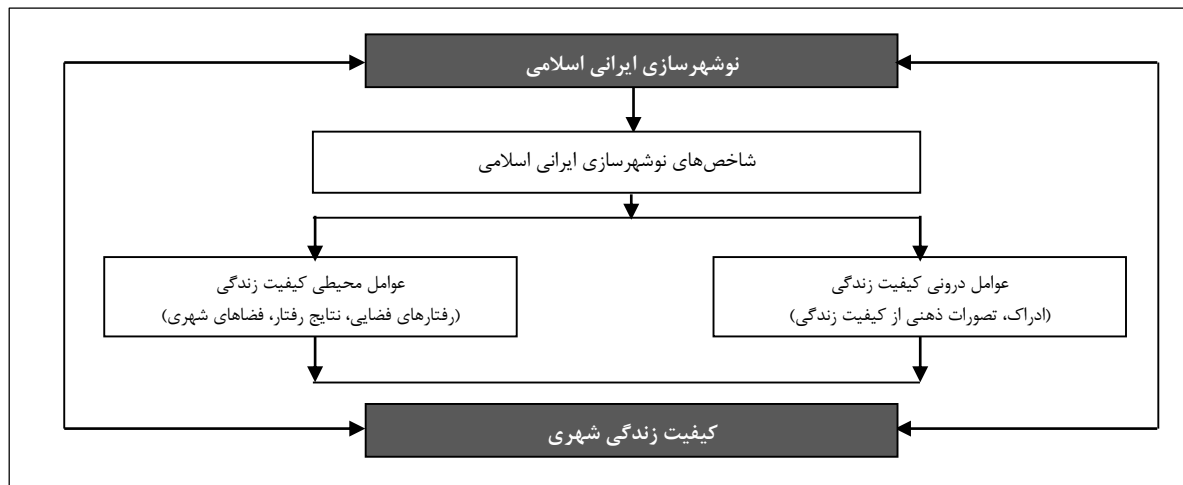


نمودار ۱ - ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری و متغیرهای مورد استفاده (ماخذ قالبیاف و همکاران، ۱۳۹۰)

مدل تحلیلی تحقیق

با انتخاب نخبگان شهری و صاحب نظران، آگاهی بخشی به این گروه تضمین خوبی برای کیفیت بالای نتایج دلفی است. بنابراین اعضای دلفی بر اساس تخصص انتخاب میشوند نه براساس فرآیند انتخاب تصادفی. لذا حلقه دلفی براساس آگاهی شان از موضوع انتخاب می شوند (Linstone & Turoff, 2002). برای نیل به اهداف پژوهش و در چارچوب روش تحقیق کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان، اقدام به مصاحبه با افراد کلیدی حوزه شهری در بخش های نهادهای دولتی، عمومی، خصوصی و بخش نهادهای حوزوی شد. با این وجود به دلیل گستردگی جامعه آماری، با استفاده از تکنیک «گلوله برفی» یا «زنجیره‌ای» اقدام به نمونه گیری میان مصاحبه شوندگان شد. در مرحله استخراج و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش کدگذاری باز استفاده شده است. روش کدگذاری باز فرآیند تحلیلی است که از طریق بررسی داده‌ها (مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و ...) مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم کشف می‌گردد (Strauss Corbin, 1998). پس از اطلاع‌رسانی راجع به موضوع پژوهش و فرآیند آن، ده نفر از این لیست، برای انجام مصاحبه، زمان لازم را در اختیار پژوهشگر قرار دادند. در مرحله اول، سعی پژوهشگر بر آن بود که ابتدا رویکرد و نگاه متخصصان به موضوع «نوسهرسازی ایرانی - اسلامی» و سپس مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء کیفیت زندگی از نگاه آنان را شناسایی نماید و سپس یافته‌های حاصل از مرور منابع را با آنها در میان گذاشته و نظر آنها را جویا شود. در این گفتگوها هم‌چنین یافتن میزان موافقت متخصصان با نگاه بومی و محلی به میزان تأثیر اصول نوسهرسازی ایرانی - اسلامی بر کیفیت زندگی شهری مد نظر پژوهشگر بود.

فرآیند برآمده از مصاحبه با نخبگان



در این بخش موضوعات «تحلیل اصول و مؤلفه‌های نوشهرسازی ایرانی اسلامی»، «اصول کیفیت زندگی شهری» مطابق نظرات نخبگان بیان و تحلیل می‌گردد و مبنای روش کدگذاری باز می‌باشد. گام اول در این پژوهش ضرورت شناسایی بازتعریف نوشهرسازی و انطباق آن با شهرسازی ایرانی اسلامی است. اصول نوشهرسازی ایرانی اسلامی است؛ که بر اساس نظرات نخبگان مقوله اصلی برای ضرورت این باز تعریف به شرح جدول زیر است.

جدول ۴ - ضرورت بازتعریف مفهوم نوشهرسازی اسلامی ایرانی

مقوله‌ها	توضیحات
تغییر نگرش در فرایند زندگی شهری	آنچه که جهان امروز به آن توجه دارد بیش از هر چیز توجه به مسائل مادی و پاسخگویی به نیازهای فیزیکی و جسمانی انسان است و این مشکلی است که روز به روز بیشتر اثرات منفی خود را در جوامع مختلف مینمایاند. در واقع تمرکز بر قلمرو فیزیولوژیکی و مادی زندگی بدون اینکه رسماً و علناً اعلام کند با حذف توجه به ساحت‌های معنوی و روانی حیات، آنها را از متذکر بودن به انسانیت خویش بازمی‌دارد.
خلاً در زمینه مطابقت کیفیت زندگی با شهر اسلامی	فعال نگهداشتن تعقل زمینه استفاده مناسب و مطلوب از علوم و دانشها و ارتقای آنها را فراهم می‌کند. با عنایت به این که عقل به سعادت انسان و فراهم آوردن بهترین شرایط زندگی برای او متوجه است به تبع آن بر آموختن و به کار بستن آموخته‌ها در جهت معرفت و آگاهی و است اما باید اذعان داشت که این امر در زندگی شهری معاصر مغفول مانده و زمینه تفکر پدیدار نشده است.
تعارض در رابطه سینرژیک میان انسان و فضای شهری	همانطور که فرهنگ حاکم بر جامعه و ارزشهای منبعث از آن در شکل دادن محیط زندگی نقش دارند، محیط نیز بر انسان و رفتار او و هم چنین بر تمایلات و انتخاب روش زندگی اش تاثیر دارد. اندکی مداقه در ویژگی‌های انسان در جهان بینی توحیدی و فرهنگ متکی و مبتنی بر آن نشان خواهد داد که یکی از اصلی ترین عاملی که می‌تواند فضا و محیط زندگی انسان را به صورت محیطی مطلوب درآورد
کمالگرایی و سعادت طلبی انسان	انسانها به انحاء مختلف کمالگرایی را از مجاری و مبادی مختلف و متنوع دریافت می‌کنند که این دریافتها را در گروه‌های مختلف می‌توان بیان نمود. قابل ذکر است که میل به سعادت یکی از اصلی ترین تمایلات انسان است به این ترتیب ضرورت ارتقا کیفیت زندگی بر اساس آموزه‌های بومی مهم به نظر می‌رسد.

با استناد به مصاحبه‌های انجام شده از نخبگان، نشان می‌دهد که اصلی‌ترین موضوع مورد توجه در تعریف نوشهرسازی اسلامی ایرانی، اصل عدالت است. برای این موضوع مصاحبه نخبگان مورد بررسی و کدگذاری قرار گرفت و سپس با مطابقت با منابع موجود، کدهای نهایی احراز شد. سپس با دسته بندی این کدها و تخلیص شاخص‌های نوشهرسازی در راستای ارتقا کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا کدهای ۱۱ گانه، به صورت پرسشنامه بسته با پاسخ‌های پنج درجه‌ای طیف لیکرت، از حلقه ده نفره متخصصان و نخبگان پرسیده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها در مرحله دوم روش دلفی، به منظور یافتن میزان موافقت متخصصان با هر شاخص، ابتدا از ساده‌ترین روش یعنی حاصل جمع نمرات و میانگین آن‌ها استفاده شد. حاصل جمع و معدل نمرات هر شاخص را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول نیز پیداست. شاخص "عدالت مندی" دارای بیشترین نمره و میانگین هستند و از سوی متخصصان حائز اهمیت شناخته شده‌اند. در آخرین ردیف اهمیت نیز شاخص "اتصال و پیوستگی" قرار دارد. پس از آن یک بار دیگر، داده‌ها از طریق روش «آنتروپی شانون» مورد تحلیل قرار گرفتند. به کمک این فرمول که از دقت بالاتری نسبت به فراوانی داده‌ها، برخوردار است، می‌توان بار اطلاعاتی هر شاخص و سپس وزن آن را محاسبه نمود (Azar, 2006)؛ به منظور استفاده از این فرمول ابتدا داده‌های جدول فراوانی از طریق رابطه (۱) به هنجار می‌شود. در این فرمول P_{ij} نمره به هنجار شده و F_{ij} نمره هر یک از نخبگان به مقوله مورد نظر است. پس از آن، بار اطلاعاتی هر مقوله (E_j) را از طریق رابطه (۲) محاسبه می‌شود. در این رابطه m تعداد صاحب‌نظران و n نیز تعداد مقوله‌هاست. سپس وزن هر مقوله یا شاخص (W_{ij}) از طریق رابطه زیر به دست می‌آید.

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i=1,2,\dots,m ; j=1,2,\dots,n)$$

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln(P_{ij})] \quad j \in 1 \dots n \quad k = \frac{1}{\ln(m)}$$

$$W_{ij} = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

سپس از همین روش به وزن دهی شاخص‌های کیفیت زندگی پرداختیم که نتایج آن در جدول زیر منعکس گردیده است. بر این اساس بیشترین وزن به متغیر کیفیت اقتصادی و کمترین وزن به کیفیت حمل و نقل و ارتباطات تعلق گرفت. به طور خلاصه وزن شاخص‌های نوشهرسازی و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری به طور زیر حاصل شد:

جدول ۵ - وزن شاخص‌های نوشهرسازی ایرانی - اسلامی

ردیف	شاخص	وزن
۱	پیاده مداری	۰,۰۹۲
۲	اتصال و پیوستگی	۰,۰۵۲
۳	ایجاد کاربریهای مختلط	۰,۰۸۱
۴	ایجاد گونه‌های مختلف مسکن در بافت	۰,۰۶۴
۵	افزایش تراکم در بافت	۰,۰۸۶
۶	حفظ و تقویت ساختارهای سنتی	۰,۰۹۸
۷	استفاده از مشارکت ساکنان	۰,۱۲۵
۸	حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز	۰,۰۷۵

۹	تقویت حمل و نقل عمومی	۰,۰۷۸
۱۰	استفاده از ابزار طراحی جهت افزایش امنیت در بافتهای شهری	۰,۰۸۲
۱۱	عدالت مندی	۰,۱۶۷
	مجموع	۱

منبع: نگارنده، ۱۴۰۰

جدول ۶ - وزن شاخص های کیفیت زندگی شهری

ردیف	شاخص	وزن
۱	کیفیت محیط فیزیکی	۰,۲۲
۲	کیفیت محیط اجتماعی	۰,۲۸
۳	کیفیت محیط اقتصادی	۰,۳۲
۴	کیفیت حمل و نقل و ارتباطات	۰,۱۸
	مجموع	۱

سپس با طرح پرسشنامه از نخبگان و از طریق رگرسیون چند متغیره، به تقابل و بررسی تاثیر بین شاخص های وزن دار نوشهرسازی ایرانی اسلامی با شاخص های کیفیت زندگی شهری پرداخته شد.

Coefficients^a

Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
B	Std. Error	Beta		
۷,۱۰۶	.۵۵۲		۱۲,۸۷۴	.۰۰۰
.۴۳۴	.۱۴۴	.۳۴۰	۳,۰۲۲	.۰۰۴

Residuals Statistics^a

	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation	N
Predicted Value	۷,۹۷۳۸	۹,۲۷۵۵	۸,۷۵۰۰	.۲۸۵۷۴	۷۲
Residual	-۲,۰۰۷۷۱	۱,۵۰۵۵۱	.۰۰۰۰۰	.۷۹۱۰۰	۷۲
Std. Predicted Value	-۲,۷۱۶	۱,۸۳۹	.۰۰۰	۱,۰۰۰	۷۲
Std. Residual	-۲,۵۲۰	۱,۸۹۰	.۰۰۰	.۹۹۳	۷۲

با توجه به جداول فوق چون مقدار معناداری کوچکتر از $0/05$ ($0/004$) و مقدار آماره F برابر $9/134$ است، پس مدل رگرسیونی برازش داده شده معنادار است. ضریب تعیین بین متغیر مستقل و متغیر وابسته $0/115$ به دست آمده است که یعنی متغیر مستقل حدود ۱۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را بیان می کند. هم چنین معناداری اثر متغیر مستقل یا ضرایب رگرسیونی آزمون شده است که با توجه به مقدار معناداری مرتبط با آن که مقداری کوچکتر از $0/05$ است، می توان گفت این متغیر پیش بینی کننده خوبی برای متغیر وابسته است. بنابراین بر بهره وری عملیات نیروهای زیرمجموعه تأثیر دارد

همچنین می توان بر اساس ضرائب حاصله و می توان دریافت متغیر "عدالت" بیشترین تاثیر را بر شاخص های کیفیت زندگی شهری گذاشته و در بین این شاخصها به ترتیب بر روی محیط اقتصادی، محیط اجتماعی، محیط کالبدی و حمل و نقل موثر است.

نتیجه گیری

مهم ترین مسئله جامعه شهرسازان، ارایه مدل و الگوی مداخله در بافتهای ناکارآمد و باز تولد این بافتهای مسئله دار به منظور ایجاد محیط مطلوب برای زندگی و تحقق رضایتمندی شهروندان می باشد. از طرفی روند فرسودگی بافتهای شهری و افت کیفیت زندگی در این بافتها، آسیبهای کالبدی و اجتماعی زیادی را در محیطهای شهری به دنبال داشته که عدم توجه به این مسئله، هزینه های بعضاً غیر قابل جبرانی را بر مدیران شهر تحمیل می کند. در میان نظریات مداخله در بافتهای ناکارآمد، نظریه نوشهرسازی، با توجه به نگاه انسان محور در برنامه ریزی و طراحی شهری، مورد توجه بیشتر شهرسازان قرار گرفته است. در فضای این پژوهش محقق به دنبال نشان دادن ارتباط و تاثیر پیاده سازی نوشهرسازی ایرانی اسلامی با ارتقا کیفیت محیطی در فضای شهری بوده است، که بر اساس تنظیم رابطه بین شاخص های نوشهرسازی و شاخص های کیفیت زندگی می توان به این جمع بندی رسید که در صورت پیاده سازی شاخص های نوشهرسازی ایرانی - اسلامی برای محیطهای ناکارآمد شهری که دارای پیامدها و آثار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نامأنوس با محیط شهری شده اند، در صورت پیاده سازی این شاخصها و اجرای طرحهایی که بر اساس این شاخصها برنامه ریزی شده است می تواند دست آوردهای محیطی و رضایتمندی شهروندان را که ارتباط و تأثیر مستقیم در ارتقاء سطح کیفیت زندگی دارد را بوجود آورد. همانگونه که در طی فرآیند تجزیه و تحلیل مشخص گردید، با توجه به اینکه میزان اهمیت هر یک از اصول نوشهرسازی با لحاظ کردن اصل عدالت به عنوان اصل یازدهم با یکدیگر متفاوت است و از سوی دیگر اصول مطلوبیت زندگی نیز متفاوت هستند. در این راستا با استفاده از رگرسیون چند متغریه با لحاظ کردن وزن متغیرهای مستقل بر روی متغیرهای وابسته، مشخص گردید شاخص عدالت بیشترین تاثیر را بر روی شاخص های مطلوبیت زندگی را دارد در حالیکه در اصول ۱۰ گانه به این مورد اشاره نشده است.

از این منظر شاید مهم ترین دست آورد این پژوهش و مقاله این موضوع است که برای مداخله در بافتهای ناکارآمد شهری با استفاده از نظریه نوشهرسازی ایرانی - اسلامی با تأکید بر محور برنامه ریزی عدالت محور و طراحی محیطهای شهری بر اساس رویکرد عدالت، می توان در هر چهار شاخصه سطح کیفیت زندگی تأثیرگذار است. از این منظر وقتی به مقوله عدالت به عنوان یک اصل به آن پرداخته شود ما در توزیع منابع و امکانات نیز یک شاخص خواهیم داشت و به منظور توزیع متوازن و عدالت محور منابع و امکانات در فضاهای شهری برای رسیدن به کیفیت مناسب محیط شهری در همه ی ابعاد و همه ی پهنه های فضای شهری می توان به یک الگوی توسعه متوازن دست یافت. لذا به منظور کنترل ساختارهای مطالبه گری در فضاهای شهری با ایجاد سیاست های متوازن و یکپارچه در برنامه ریزی شهری امکان استفاده از منابع و ظرفیت های شهری برای همگان حائز اهمیت می شود و نکته قابل توجه در حوزه برنامه ریزی انسان محور این است که

در این نگاه، رویکرد اولویت منافع جمعی بر منافع فردی تقویت شود و می‌توان با این نگاه، منافع جمعی را برای برنامه ریزی شهری در اولویت قرار داد و به این نکته توجه داشت که کیفیت زندگی برای تمام ساختارهای اجتماعی جامعه مد نظر قرار بگیرد. که این اصل برای استفاده از منابع در حوزه توسعه فضاهای شهری در مقوله عدالت که اصل ۱۱ از اصول نوشهرسازی ایرانی-اسلامی می‌باشد مورد تأکید و توجه قرار گیرد.

منابع

اصغرزاده یزدی، سارا (۱۳۸۹). اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه ریزی محله‌های شهری. فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۲۹، شماره ۱۳۰ صفحات ۵۰-۶۳

بنه ولو، لیوناردو (۱۳۶۹). تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی)، ترجمه پروانه موحد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶). مرمت شهری. چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، ویرایش جدید.
رحیم رهنما، محمد، روشنی، پریسا و افشاری، مهرانوش (۱۳۹۲). ارتقای کیفی محلات مدرن شهری با بکارگیری رهیافت نوشهرگرایی (نمونه موردی: منطقه آزاد شهر مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه شهری، شماره سوم. صفحات ۲۷-۴۵.

رضوانی، محمد رضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین، سناری، حسین (۱۳۸۸). توسعه و سنجش شاخص کیفیت زندگی شهری (نمونه موردی نورآباد، لرستان)، مطالعات پژوهشی شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، ص ۴۵.
سعیدی رضوانی، هادی و نوریان، فرشاد (۱۳۹۴). «شهرسازی عدالت محور»؛ رهیافتی پیشرو در برنامه ریزی شهری. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری شماره ۱۲.

شعار، جعفر (۱۳۶۶). ترجمه (ابن حوقل، صورة الارض)، انتشارات امیر کبیر، تهران.
مشهدی زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۵). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، چاپ ششم.

صفوی، سیدعلی، رضایی، محمود و سعادت‌مندی، مژگان (۱۳۹۶). کاربری اصول نوشهرگرایی مطابق با شناسه‌های شهر ایرانی اسلامی (مطالعه موردی: محله مسکونی و قدیمی رباط کریم (رباط کهنه)). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۴. صفحات ۹۲۹-۹۴۴.

ضرابی، اصغر، علی نژاد، کاووس (۱۳۹۸). تحلیلی بر عناصر و کاربرهای شهری در شهرهای اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۱۴۳.

غفاری، غلامرضا، امیدی، رضا (۱۳۸۸). کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، اندیشه مدرن جامعه.

کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۸). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت.

- لطیفی، غلامرضا و صفری چابک، ندا (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری. شماره هفتم. صفحات ۳-۱۲.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۷). فضای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نریان، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران.
- مجتهد زاده، غلامحسین (۱۳۸۸). اصول و روشهای برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور.
- میثاقیان، غلامرضا (۱۳۹۱). معرفی ویژگیها و اصول شکلگیری شهر ایرانی - اسلامی، دفتر معماری و طراحی شهری، مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، تهران.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی اسلامی: مبانی نظری. اصفهان: انتشارات راهیان.
- واتسون، دونالد، آلن ج. پلاتوس و رابرت جی شیبلی (۱۳۸۹). مجموعه استانداردهای طراحی شهری، مترجم کیانوش ذاکر حقیقی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول. تهران.

Ferriter, E. The Sustainability of New urbanism: the case of Maryland, degree of Doctor of Philosophy in Urban Affairs and Public Policy, University of Delaware; 2008.

Hikichi, L. New Urbanism and Transportation, Milwaukee, University of Wisconsin-Milwaukee; 2003.

Heins, M. Finding Common Ground Between New Urbanism and Landscape Urbanism, Journal of Urban Design; 2015: 293-302.

Grant, J. New Urbanism, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition); 2015: 809-814.

Rendal, E. Charter of the New Urbanism. Congress of New Urbanism, Real Estate Literature, 1999; 10(1): 147.

Steuteville, R. The New Urbanism: An alternative to modern, automobile-oriented planning development; 2004.

Duany, A., Plater-Zyberk, E. Speck, J. Suburban Nation: The rise of sprawl and the decline of the American dream, New York: North Point Press; 2004.

Edward, J., Jepson, Jr., Mary, M., Edwards. How Possible is Sustainable Urban Development? An Analysis of Planners' Perceptions about New Urbanism, Smart Growth and the Ecological City, Planning Practice & Research, 2010; 25: 4.

Brian W. Ohm, James A. LaGro, Jr., and Chuck Strawser. A Model Ordinance for a Traditional Neighborhood Development, Approved by the Wisconsin Legislatur; 2001: 17-25.

Aurbach, Laurence. TND designe rating, The Town paper website, 2005; 2(2): 1-20.

Blasingame Custer, Janna. New Urbanism and Euclidian Zoning: Can They Co-Exist?, Land use clinic, University of Georgia School of Law; 2007: 1-6.

Strauss, Anselm and Corbin, Juliet. Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques, Sage; 1990.

Linstone, H. A. & Murray, T. The Delphi Method, Techniques and Applications. Melbourne: Addison Wesley Publishing Company; 2002.

Lehrer, J. (2004). What is New Urbanism? accessed November 26, 2011 from www.Newurbanism.org

Raymond, André. Islamic city, Arab city: orientalist myths and recent views. British Journal of Middle Eastern Studies, 1994; 21(1): 3-18. doi: 10.1080/13530199408705589

Raymond, André. The Great Arab cities in the 16th – 18th centuries: International Journal of Middle Eastern Studies (New York university press); 1994: 411-442.

The Position of Iranian - Islamic Urban Development in the Realization of Urban Livability (Study around the Shrine of Hazrat Abdul Azim (AS))

Alireza Jafari¹, Hamidreza Sarmi^{2*}, Arash Baghdadi³

PhD student, Technical and Engineering Faculty, Department of Urban Planning, Quds City Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3- Assistant Professor, Department of Urban Planning, Quds City Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Today, large cities are facing a process of stagnation, decline and decline, which has led to the creation of inefficient and worn-out spaces in cities. Numerous and numerous models have been presented to deal with this urban problem and this study also theorizes about the model of regeneration of Islamic-Iranian urban development based on justice-oriented indicators with the aim of achieving a suitable solution in this field. In order to identify the indicators and identities of the main idea, this research has used the "context theory" method and in order to analyze the data, the "content analysis" method has been used. The indicators are arranged in descending order by Mc Grahnanan method of weight determination to determine which of the principles and indicators play a significant role in the purpose of the research. Then, the proposed framework in the research context has been studied and evaluated by the methods of documentary study, observation and interview.

Keywords: Urban development, Justice-oriented urban planning, Islamic-Iranian, Quality of life.